

بسم ا... الرحمن الرحيم

عملیات ثامن الائمه (ع) در یک نگاه

نام عملیات: ثامن الائمه
رمز: نصر من ا... و فتح قریب
منطقه عملیاتی: شمال آبادان، شرق کارون
مدت زمان عملیات: ۳۰ دقیقه بامداد ۱۳۶۰/۷/۵ الی ۱۳۶۰/۷/۶
نوع عملیات: گسترده
وسعت مناطق آزاد شده: ۱۳۰ کیلومتر مربع
اهداف عملیات: خارج نمودن شهر آبادان از محاصره و انهدام نیروی دشمن در شرق کارون
فرماندهی عملیات: ستاد عملیات جنوب (سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران)
سازمان عمل کننده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی
استعداد نیروهای خودی: سپاه پاسداران ۱۶ گردان پیاده و چهار گروه خمپاره انداز ارتش، لشکر ۷۷ خراسان شامل ۷ گردان پیاده و ۲ گردان تانک
استعداد نیروهای دشمن: ۲ تیپ زرهی ، ۱ تیپ مکانیزه و یک تیپ پیاده
نتایج عملیات: خارج شدن شهر آبادان از محاصره قوای دشمن ، آزاد شدن دو جاده مهم اهواز- آبادان و ماهشهر- آبادان ، آزادسازی کامل شرق کارون به وسعت حدود ۱۳۰ کیلومتر مربع
خسارات وارده به دشمن: انهدام ۹۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۰۰ خودرو، ۳ هواپیما، ۱ هلی کوپتر، چند انبار مهمات، ۲ پل پی.ام.پی و... ، کشته شدن ۱۵۰۰ نفر و به اسارت در آمدن ۱۸۰۰ نفر
غنائم: حدود ۷۴ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰ خودرو و انواع سلاح و تجهیزات

۱ - جغرافیای منطقه ی عملیات:

منطقه ی عملیات ثامن الائمه(ع) در شرق رودخانه کارون و در حد فاصل شمال شهر آبادان و جنوب منطقه دارخوین قرار داشت و شامل سرپلی به وسعت حدود ۱۳۰ کیلومترمربع می شد که در اشغال نیروهای عراقی بود. عوارض حساس منطقه، رودخانه کارون و دو جاده اهواز- آبادان و ماهشهر- آبادان بودند و عوارض مصنوعی منطقه نیز بیشتر شامل مواضع و استحکامات دشمن نظیر خاکریزهای متعدد، مواضع تانک، سنگرهای اجتماعی و انفرادی می شدند. با توجه به اهمیت دو پل قصبه و حفر برای دشمن که به منزله معبر و محل اتصال عقبه های او در شرق کارون به شمار می رفت، مواضع و استحکامات فراوان و نیروی رزمی بسیاری در این دو محور مستقر بودند.

این منطقه از سمت غرب به رود کارون و از سمت شرق به هور شادگان از شمال به دارخوین و جاده شادگان و از جنوب به رودخانه بهمن شیر و جاده آبادان ماهشهر محدود می شود.

- ارتفاعات: منطقه مذکور فاقد ارتفاعات می باشد.
- رودخانه ها: رودخانه های کارون، بهمنشیر و خورهای منشعب از خلیج فارس در این منطقه قرار دارد
- شهرها: شهرهای آبادان و خرمشهر در مجاورت این منطقه می باشد.
- جاده ها: جاده های آبادان - اهواز ، ماهشهر - آبادان
- آب و هوا: از نظر آب و هوا این منطقه گرم و خشک میانه بوده و تابستانهای بسیار گرم و زمستانهای معتدل دارد. میزان بارندگی در فصلهای پائیز و زمستان بالا بوده طوری که منطقه مذکور زیر آب می رود.
- مردم: به جز حاشیه رودخانه کارون بقیه این منطقه غیر مسکونی می باشد لذا ساکنان چندانی ندارد.

۲ - سابقه نظامی منطقه:

پس از اینکه رژیم عراق در استراتژی خود که با هدف کسب پیروزی سریع بر پایه "جنگ محدود و برق آسا" طرح ریزی شده بود با شکست مواجه شد و نتوانست به اهداف اصلی خود از جمله براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و تجزیه خوزستان دست یابد، هدف محدودتری را انتخاب کرد تا با نیل به آن بتواند شرایط خود را به جمهوری اسلامی ایران تحمیل کند. خرمشهر و آبادان که در هجوم سراسری ارتش عراق یکی از محورهای اصلی پیشروی بود، از هفته دوم، اصلی ترین هدف نظامی عراق و محور تمرکز قوا و فشار دشمن گردید تا دشمن خرمشهر را به اشغال خود درآورد. همین دفاع متعهدانه و انقلابی مردم از خرمشهر و در ادامه آن از آبادان، سبب شد که ارتش عراق از حملات مکرر برای اشغال آبادان نتیجه ای کسب نکند و تنها به محاصره آبادان اکتفا کند. پس از توقف ارتش عراق تلاش هایی برای آزادی خرمشهر و شکست محاصره آبادان صورت گرفت؛ از جمله عملیات نصر (۱۳۵۹/۱۰/۱۶) و عملیات توکل (۱۳۵۹/۱۰/۲۰) با فرماندهی بنی صدر و به کارگیری نیروی زمینی

ارتش اجرا شد، لیکن چون مبتنی بر بینش نظامی کلاسیک بود و ارتش عراق از این جنبه برتری داشت، نتیجه‌ای حاصل نشد

۳ - فضای سیاسی کشور و بین الملل:

با نگاه به رویدادهای نیمه اول سال ۱۳۶۰ و بحران داخلی که ناشی از پوست اندازی نظام از نیروهای لیبرال و خائن و منافق امثال بنی صدر و رجوی. لذا اکنون نوبت نیروهای سپاه پاسداران و نیروهای مردمی بود که با اتخاذ تدابیر انقلابی، خط بطلانی بر بینش لیبرالیستی که تا این زمان از حضور و تأثیرگذاری آنها در جنگ شده بود، بکشند. در این موقعیت سپاه که نماینده خط امام در جبهه‌ها به شمارمی‌آمد و با تأسی به اندیشه‌های دفاعی رهبر انقلاب که هر نوع سازشی را مطرود می‌دانست، باید شیوه تازه‌ای را در عرصه نبرد جاری می‌کرد که قادر باشد در پرتو آن از حاکمیت خط سازش جلوگیری کند و بتواند بن‌بست ایجاد شده را بشکند. حتی موفقیت‌های محدود می‌توانست کارآیی شیوه‌های هجومی رزمندگان اسلام را نشان دهد و هوای تازه‌ای را برای تنفس نیروهای خودی فراهم آورد؛ ضمن آن که آثار منفی شکست‌ها را در میدان‌های نبرد در پشت جبهه‌ها بزداید.

سپاه با چنین هدفی، برای فائق آمدن بر مشکلات جنگ، در وهله اول شکستن محاصره آبادان را در دستور کار خود قرار داد و نخست "ستاد عملیات جنوب" را تشکیل داد تا هویت سازمان سپاه پاسداران در منطقه جنوب مشخص گردد. پس از آن با افزایش تحرک و ابداع تاکتیک‌های جدید در تهاجم به دشمن، اجرای عملیات‌های ایذایی و محدود را مورد توجه قرار داد.

تدابیر سپاه در این مرحله برای پاسخ به ضرورت‌های موجود، عبارت بود از:

- تداوم جنگ با اجرای عملیات محدود.
 - تکیه بر وحدت، ایمان و عشق به شهادت.
 - گسترش سازمان رزم با جذب نیروهای انقلابی- مردمی.
 - هماهنگی و همکاری کامل با واحدهای پشتیبانی آتش ارتش جمهوری اسلامی ایران و به کارگیری نیرو و امکانات آنها.
 - اتخاذ تاکتیک‌های جدید با اتکا بر نیروهای پیاده و اجرای عملیات در شب.
 - آشنایی با وضعیت زمین منطقه و استفاده کامل از آن.
 - ایجاد شبکه‌هایی برای جمع‌آوری اطلاعات از دشمن و تکیه بر اطلاعات در طرح‌ریزی عملیات‌ها.
- اولین قدم در تحقق تدابیر فوق- که دورنمای اصلی آن زمینه‌سازی برای شکستن محاصره آبادان بود- اجرای موفقیت‌آمیز عملیات امام مهدی (عج) در ۱۳۵۹/۱۲/۲۶ در غرب سوسنگرد بود که انگیزه تعیین‌کننده‌ای را

برای اجرای عملیات‌های بعدی در پی داشت، طوری که تا ۲۱ خرداد ۱۳۶۰ تعداد ۱۴ عملیات محدود و ایزدایی در محورهای مختلف با موفقیت اجرا شد. مهمترین ویژگی‌ها و آثار این سلسله عملیات‌ها چنین بود:

- عاشورایی جنگیدن (به عنوان اصلی ترین عنصر مکتب دفاعی نیروهای انقلابی).
- قرار گرفتن فرامین و رهنمودهای امام خمینی در سرلوحه کار.
- خلق شیوه جدیدی در جنگ که اساس آن بر عملیات بود.
- تحول در روابط انسانی مجموعه‌ای که دست اندر کار طراحی، فرماندهی، پشتیبانی و اجرای عملیات بودند؛ به ویژه وجود محبت بین رزمندگان و فرماندهان.
- تحول در مدیریت جنگ که اساس فکری آن مبتنی بر تغییر و تحول بود در مقابل تفکر ایستا.
- تلاش برای تحول و گسترش سازمان رزم.
- تغییر و تحول در صحنه نبرد.
- به کارگیری دانش و اطلاعات در طراحی و اجرای عملیات‌ها.
- به کارگیری تکنولوژی و ابتکارات و نوآوری‌ها.
- ایجاد اعتماد به نفس و نشان دادن توانایی و قابلیت‌های نیروهای انقلابی.
- توجه به اصل غافل‌گیری.
- تضعیف روحیه نیروهای عراقی.
- دگرگونی در نگرش دشمن به تحولات تاکتیکی جدید ایران.
- شکل‌گیری ترکیب جدید ارتش و سپاه (زمینه‌ای برای ایجاد وحدت فرماندهی در جنگ).

- **عملیات ثامن‌الائمه(ع)** در موقعیتی استثنایی و بحرانی طرح‌ریزی شد، زیرا اوضاع سیاسی کشور با توجه به تلاش جبهه متحد ضدانقلاب بسیار ملتهب بود. چنانکه در خرداد ۱۳۶۰ در پی اوج‌گیری درگیری‌های داخلی، منافقین با ورود به فاز نظامی، قیام مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی را آغاز کردند. فراخوانی امام برای مقابله با این جریان، منجر به حضور گسترده و فعال مردم در صحنه انقلاب و همچنین جبهه‌های نبرد شد. گرچه بنی‌صدر همراه رجوی فرار کرد ولی این امر به منزله پایان بحران سیاسی نبود، زیرا گسترش ترور و انفجار، حوادثی چون فاجعه هفتم تیر و هشتم شهریور را به وجود آورد که این حوادث هرچند موجب تثبیت اوضاع داخلی به سود نیروهای انقلابی شد، ولی زیان‌های جبران‌ناپذیری را نیز بر جای نهاد و به علاوه بازتاب بسیار نامطلوبی در رسانه‌های جهان داشت. چنان که اکثر رسانه‌های جهان تا آستانه عملیات ثامن‌الائمه(ع) ایران را از لحاظ نظامی، ناتوان، از جنبه اقتصادی ورشکسته و از حیث سیاسی بحران‌زده ارزیابی می‌کردند. از جمله مهم‌ترین موضوعاتی که رسانه‌های خارجی به آن می‌پرداختند، چنین بود:

- بمب‌گذاری در مقر حزب جمهوری اسلامی و نخست‌وزیری در ایجاد زلزله پایه‌های حکومتی ایران.

- بر کناری بنی‌صدر و فرار او به همراه رجوی و تأثیرات امنیتی آن.
 - بزرگ‌نمایی تظاهرات و اغتشاشات ضددولتی توسط گروه‌های ضد انقلاب (به خصوص سازمان مجاهدین خلق (منافقین))
 - تبلیغات گسترده درباره وجود اختلاف سپاه با ارتش.
 - دامن زدن به شایعه خرید سلاح از اسرائیل به وسیله ایران.
 - تخطئه اندیشه فکری و انقلابی امام خمینی.
 - ادعای ورشکستگی اقتصادی ایران.
- مجله تایم در گزارشی نوشت:

«انفجار بمب در نخست‌وزیری ضربه‌ای شدید ولی نه مهلک به رژیم محاصره شده خمینی بود، اما این بمب متقاعدکننده‌ترین شاهد بر این بود که انقلاب ایران با ادامه دادن به نابودی خودممکن است ملت را به یک جنگ داخلی بکشانند.»

مجله نیوزویک نیز عامل بمب‌گذار را از افراد درون حکومت اعلام کرد و به نقل از یک افسر امنیتی در تهران مدعی شد:

«مقامات مملکتی از این امر (انفجار) بسیار آشفته هستند. زیرا تروریست‌ها توانستند به قلب رهبران امنیتی مملکت وارد شده و اعتبار رژیم را از بین ببرند. و اکنون وسوسه‌انگیزترین سؤال برای همه این است که آیا خمینی هدف بعدی تروریست‌ها خواهد بود. چرا که فقط پرستیژ ممتاز خمینی است که هنوز کشور تجزیه شده را به صورت یکپارچه نگه داشته است.»

رسانه‌های دیگر با مطرح کردن کسالت رهبر انقلاب اسلامی و همچنین ادعای گسترش اعتراضات ضدحکومتی در ایران، آن را زمینه اوج‌گیری ناامنی و سرانجام فروپاشی نظام جمهوری اسلامی تفسیر کردند. مجله پانوراما چاپ ایتالیا با استناد به گزارش سرویس‌های مخفی غرب نوشت:

«صد گروه ضد حکومت اسلامی در ده استان کشور از آذربایجان گرفته تا کردستان و سیستان و بلوچستان پایگاه‌های مستحکمی در اختیار دارند. آنان از پشتوانه مالی برخوردارند به طوری که پرنسس اشرف پهلوی و عراقی‌ها ۵۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کرده‌اند... طبق محاسبات متخصصان غربی در تهران، شمارش معکوس در ایران از هم اکنون آغاز شده است و احتمال دارد درگیری بین پرزیدنت بنی‌صدر و رهبران انتگرالیست اسلامی پس از درگذشت امام خمینی به بروز یک واکنش غیرقابل کنترل منجر گردد. در این باره نخست مبارزات خونین بر سر کسب قدرت و سپس برخوردهای بین احزاب و... سرگرفتن حمله شدید عراق و در پایان همه اینها تجزیه خاک ایران تحقق می‌پذیرد.»

برخی رسانه‌های غربی اقدامات نیروهای امنیتی ایران را در دستگیری ضد انقلابیون - که با استراتژی مبارزه مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی قصد ترور و ایجاد رعب و وحشت در جامعه داشتند - عملی ناقض حقوق بشر اعلام نمودند و پیامد آن را وحدت بیشتر نیروهای معارض و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی پیش‌بینی کردند. روزنامه الاهرام مصر در این باره نوشت:

«مقامات ایرانی حملات خود را جهت دستگیری مخالفان همزمان با اجرای احکام اعدام به صورت بی‌سابقه ادامه می‌دهند. رهبران مخالفان از پاریس بنی‌صدر و رجوی که اعضای آنان متشکل از هزاران نفر می‌باشد از مرزهای ترکیه و ایران آماده حمله همه جانبه برای سرنگونی رژیم خمینی می‌شوند.»

مجله تایم نیز از قول مسعود رجوی نوشت:

«خمینی خیلی ضعیف است... ۹۰ درصد از رهبری خمینی از بین رفته است... مردم واقعاً خوشحالند و به ما (من و بنی‌صدر) تبریک می‌گفتند. ما اکنون در خط حمله هستیم و خمینی در خط دفاع.»

و سرانجام نشریه فایننشال تایمز (چاپ انگلستان) نوشت:

«تمام این مسائل احتمالاً بسیاری از مقام‌های کشورهای غربی را بر آن داشته تا امیدوار باشند که انقلاب اسلامی رو به اضمحلال است و بر اثر جنگ‌های گروهی و آشفتگی اقتصادی، ایران تجزیه خواهد شد.»

بحران داخلی که حاصل اقدامات گروه‌های ضد انقلاب با پشتیبانی رژیم عراق و غرب و امریکا بود، همراه تبلیغات گسترده رسانه‌های غربی و همچنین اوضاع نامناسب جبهه‌های جنگ و استقرار قوای دشمن در سرزمین‌های جمهوری اسلامی و عدم تحرک لازم برای بیرون راندن نیروهای مهاجم، در آستانه عملیات ثامن‌الائمه (ع)، موقعیت نظام جمهوری اسلامی را چنان متزلزل ترسیم کرده بود که اکثر دشمنان و حتی خیلی از غیر دشمنان، انتظار فروپاشی این نظام را می‌کشیدند.

این وضعیت ارتش عراق را نیز امیدوار کرده بود تا با ادامه استقرار نیروهای خود در شرق رودخانه کارون و محاصره آبادان در انتظار گشایشی فوق‌العاده برای بن‌بست جنگ باشند. این تلقی زمانی بیشتر قوت گرفت که نیروهای عراقی توانستند عملیات رزمندگان (موسوم به عملیات شهید چمران) را که در ۱۳۶۰/۵/۳ در جاده ماهشهر - آبادان با هدف شکستن حلقه محاصره آبادان به اجرا درآمد، سرکوب کنند.

با این همه دشمن در یک غفلت استراتژیک به سر می‌برد. غفلتی که ناشی از عدم درک دشمن از خردورزی جوهری رزمندگان و فرماندهان و مؤانست بی‌بدیل آنان با یکدیگر بود و همین توانسته بود به رغم نگرانی آنان از اوضاع داخلی، مدیریت عملیات را بسیار توانمند کرده و در پیروزی عملیات‌های نیروهای انقلابی نقش بارزی ایفا کند. این ویژگی نه تنها برای دشمن ناشناخته بود، بلکه در اردوی خودی نیز تئوریزه نشده بود و برای بسیاری ملموس نبود زیرا واقعیتی بود که با انقلاب اسلامی به وجود آمده بود. این تلفیق خردورزی و روحیه شهادت طلبی نیروهایی که مرگ را به بازی گرفته و عبور از هر مانعی را ممکن ساخته بودند، عملاً سبب شده بود تا آوازه شکست ناپذیری دشمن شکسته شود. اگرچه از جنبه ظاهری و معادلات نظامی و ابعاد فیزیکی آن دشمن در برتری نظامی قرار داشت و رزمندگان از این بعد در استضعاف کامل بودند، اما قدرت ناشی از دو پدیده به ظاهر متضاد و ناهمخوان "حماسه و عرفان" که بر خرد و معنویت استوار بود، چنان قدرتی را برای رزمندگان به ارمغان آورده بود که تحول در سازمان‌دهی نیروها و افزایش قدرت رزمی واحدهای عملیاتی برای قبول مسئولیت‌های بزرگ‌تر در عرصه نبرد را مهیا کرد.

۴ - فضای حاکم بر جبهه ها:

سیاست دفاعی ایران برای بیرون راندن نیروهای اشغالگر متأثر از دو دیدگاه بود: دیدگاه نیروهای کلاسیک: استراتژی دفاعی این گروه متأثر از جریان فکری امرای ارتش و بنی صدر و همچنین آموزش های ارتش شاهنشاهی بود. صاحبان این دیدگاه با الگوپذیری از طرحی پدافندی که از رژیم سابق به جا مانده بود طرح عملیاتی زود بازدهی را برای بازدارندگی و دفع تجاوز در دستور کار خود قرار دادند و با ارائه طرح تاکتیکی "زمین در برابر زمان" امیدوار بودند تا با کاربردی کردن آن، نیروهای متجاوز را بیرون برانند. اما نظر به اینکه آنها جنگ را از زاویه های ظاهری تحلیل کرده و درک عمیقی از ماهیت جنگ و تهدید آن نداشتند و اساساً چون این طرح از مبانی و انسجام لازم برای پاسخ گویی به ابعاد تهدید برخوردار نبود، خیلی سریع با ناکامی مواجه شدند به گونه ای که با هر شکستی روحیه یأس و ناامیدی در بین آنها افزایش می یافت و به جای تجدید نظر در دیدگاه و شیوه خود به توجیه آن می پرداختند.

دیدگاه نیروهای انقلابی و سپاه پاسداران: صاحبان این دیدگاه با تأسی به تفکر و شیوه انقلابی امام خمینی در مهار بحران ها، سازماندهی نیرو، جذب و بسیج نیروهای انقلابی و مردمی و تعامل با نیروهای حزب...ی ارتش، مبانی عملیاتی دیگری را پایه ریزی و در دستور کار خود قرار دادند. اینها استراتژی "مقاومت در هر مکان و حفظ زمین برای به دست آوردن زمان" و ایجاد تأخیر در حرکت دشمن را مبنای فعالیت خود قرار دادند و موفق شدند در پرتو آن دشمن را زمین گیر و مانع از پیشروی بیشتر قوای عراقی شوند. و پس از آن تلاش کردند ضمن همکاری با نیروهای کلاسیک، تغییر و تحولی در نگرش آنها ایجاد نمایند.

اما بنی صدر به عنوان فرمانده کل قوا- که اختلافات عمیقی با نیروهای پیرو خط امام داشت- همچنان با سوءظن شدید، تلاش های وسیعی را برای حذف سپاه و نیروهای مردمی و تفکر انقلابی و جلوگیری از مداخله آنها در امور نظامی و دفاعی به کار بست، وی با اتکا به شیوه های کلاسیک- که بیش از هر چیز ابزار را رمز موفقیت در جنگ می پنداشت- حاضر به قبول طرح های عملیاتی سپاه و نیروهای انقلابی نبود و همواره بر اجرای عملیات کلاسیک اصرار می ورزید. بر اساس همین شیوه چهار عملیات در مناطق دزفول، جاده ماهشهر- آبادان، هویزه (عملیات نصر) و مجدداً جاده ماهشهر- آبادان (عملیات توکل) در تاریخ های ۲۳ مهر، ۳ آبان، ۱۶ و ۲۰ دی ماه ۱۳۵۹ اجرا شد که جملگی با ناکامی مواجه گردید.

بنی صدر در مقام فرماندهی کل قوا بعد از این تلاش های ناموفق سه راه حل پیش روی خود داشت:

- عملیات های نظامی را به همان شیوه ادامه دهد که توان و روحیه لازم برای آن وجود نداشت.
- تغییر روش و بینش دهد و حضور سپاه و بسیج را به طور قطعی در صحنه جنگ و طراحی نبرد بپذیرد که این راه حل با تفکر بنی صدر و سران حاکم بر ارتش امکان پذیر نبود.
- با اتکا و نزدیکی بیشتر به گروه های سیاسی (معارض) چشم امید به موفقیت های سیاسی داشته باشد و از این طریق، هم شکست در جبهه های جنگ را پوشش دهد و هم قدرت خود را در داخل تثبیت کند.

بنی صدر به دلایل گوناگون، راه سوم را انتخاب کرد و در نتیجه مقابل امام و یاران ایشان ایستاد و تلاش فراوانی برای ایجاد بی‌اعتمادی به توان و تدابیر نیروهای انقلابی در عرصه دفاع و مقاومت در برابر دشمن به عمل آورد و با بی‌تدبیری وی، ارتش در جبهه‌ها از عملیات آفندی دست کشید و شیوه پدافندی اتخاذ کرد و به این ترتیب رکود و فرسایش بر جبهه‌ها حاکم شد. پیامد دیگر این وضعیت عدم شکل‌گیری وحدت فرماندهی در مقابله با دشمن بود.

۵ - قبل از عملیات:

- انتخاب منطقه عملیات

رژیم عراق بعد از اشغال خرمشهر، محاصره آبادان را نیز برگ برنده‌ای در دست خود تلقی می‌کرد و صدام گاه و بی‌گاه ادعا می‌کرد که هر موقع لازم بداند، آبادان را هم تسخیر خواهد کرد. لذا محاصره آبادان از آغاز تهدیدی بالقوه و جدی برای آبادان به شمار می‌رفت. پس از ناکامی عملیات‌هایی که با فرماندهی بنی صدر برای شکست محاصره آبادان صورت گرفت با توجه به اهمیت و ارزش منطقه، موقعیت نیروهای خودی و وضعیت زمین و نحوه استقرار دشمن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فروردین ۱۳۶۰ طرح‌ریزی عملیات در این منطقه را به طور جدی آغاز کرد به خصوص که امام‌خمینی نظر صریح خود را مبنی بر ضرورت شکستن حصر آبادان اعلام کرده بود. به هر حال، پس از یک ماه، مراحل طرح‌ریزی و سپس پی‌گیری تصویب عملیات با ترکیب برادران محسن رضایی، رحیم صفوی، حسن باقری، غلامعلی رشید و سرهنگ صیاد شیرازی به شکل جدی‌تر ادامه یافت. همچنین، پس از ملاقات سرهنگ صیاد شیرازی با رئیس وقت شورای عالی دفاع (آیت‌ا... خامنه‌ای) و اخذ تدبیر از ایشان، قرار شد این عملیات به صورت مشترک با نیروهای ارتش انجام شود. در این میان، برادران رحیم صفوی، غلامعلی رشید و حسن باقری نخستین طرح پیشنهادی منسجم و کامل عملیات را در اوایل خرداد ۱۳۶۰ برای بنی صدر تشریح کردند. نماینده سپاه نیز طرح را در جلسه‌ای که نماینده حضرت امام، آقای هاشمی، فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش و سایر اعضای شورای عالی دفاع حضور داشتند، ارائه کرد که مورد تصویب قرار گرفت. در این حال، فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش با توجه به اینکه لشکر ۷۷ خراسان مسئولیت این منطقه را بر عهده داشت، گفت: "لشکر ۷۷ باید این طرح را قبول کند؛ در پی این تصمیم و با تلاش‌ها و اقداماتی که صورت گرفت، سرانجام لشکر ۷۷ طرح را پذیرفت و برای شرکت در اجرای آن متقاعد شد.

در اواخر خرداد ۱۳۶۰ جلسه دیگری با شرکت جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش، فرمانده نیروی زمینی، فرماندهان لشکرهای ۱۶، ۲۱، ۷۷ و ۹۲ ارتش و فرمانده سپاه پاسداران خوزستان و با حضور حجت‌الاسلام اشراقی نماینده حضرت امام و دکتر چمران در دفتر فرماندهی لشکر ۹۲ زرهی اهواز تشکیل و درباره چگونگی ادامه نبرد بحث شد. در این جلسه فرمانده نیروی زمینی ارتش بر پایه طرح جدید سپاه، بر شکستن محاصره

آبادان تأکید داشت. حال آن که جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش بر حمله به بستان به عنوان تقدم نخست، پافشاری می‌کرد. بدین ترتیب، توافق لازم به دست نیامد، ولی سپاه به تلاش‌های خود ادامه داد، چنان که در ۹ تیر ۱۳۶۰- یعنی ده روز پس از جلسه بررسی طرح‌های یاد شده- فرمانده سپاه پاسداران خوزستان طرحی را ارائه کرد که مربوط به عملیات آفندی قاطع در منطقه ماهشهر و آبادان بود. این طرح قابل اجرا تشخیص داده شد، اما به سبب مشکلاتی که وجود داشت، اجرای آن تا شهریور ۱۳۶۰ مسکوت ماند.

در این باره آقای هاشمی رفسنجانی در یادداشت‌های خود نوشته است:

«در جلسه شورای عالی دفاع در ستاد مشترک ارتش، تیمسار فلاحی می‌گوید: آقای ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی معتقد به حرکت ارتش نیست و بهتر می‌داند وضع کنونی محفوظ بماند و نامه‌ای از سرهنگ یعقوب حبشی از افسران ستاد نیروی زمینی خواند که ارتش را در وضع کنونی قادر به اخراج ارتش عراق نمی‌داند.»

این وضع در حالی است که برخی از نیروهای انقلابی ارتش خواهان تغییرات اساسی در کادر فرماندهی نیرو در ارتش بودند. به هر صورت، از اوایل شهریور ۱۳۶۰ بار دیگر مقدمات اجرای عملیات فراهم و طرح به واحدها و قرارگاه‌ها ابلاغ شد.

- طرح عملیات

الف) اهداف و مأموریت

هدف اصلی عملیات، انهدام نیروهای دشمن در شرق رودخانه کارون و تصرف و تأمین منطقه بود. در طرح اولیه سپاه آمده بود:

«سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در آبادان و دارخوین و ماهشهر مأموریت دارند تا با هماهنگی و همکاری کامل لشکر ۷۷ پیاده خراسان در ساعت (س) روز (ر) از محور فیاضیه و دارخوین به طور گسترده و از سه محور ایستگاه ۱۲ و ایستگاه ۷ و جاده ماهشهر- آبادان تک نمایند و نیروهای دشمن را که از کناره کارون تا جاده ماهشهر- آبادان گسترش دارند، به طور کامل محاصره و بعد از انهدام دشمن، در منطقه متصرفه پدافند نمایند.»

فرماندهان نظامی امیدوار بودند با اجرای عملیات ثامن‌الائمه (ع) تهدید دشمن برای تصرف آبادان- که عراق آن را به صورت اهرم فشاری علیه ایران در تبلیغات خود مورد استفاده قرار می‌داد- خنثی شود. همچنین پس از پاک‌سازی شرق رودخانه کارون، نیروهای خودی از خطوط پدافندی آزاد می‌شدند و امکان به کارگیری آنها در مراحل بعدی آزادسازی مناطق اشغالی، فراهم می‌گردید

- طرح مانور

برای اجرای عملیات. چهار محور طراحی شده بود: دارخوین، فیاضیه، ذوالفقاریه (ایستگاه ۷ و ۱۲) و جاده ماهشهر- آبادان. در این میان محور دارخوین و محور فیاضیه با هدف تصرف و تأمین پل‌های حفار و قصبه دارای

اهمیت بیشتری بودند و در صورت برخورداری نیروهای خودی از سرعت عمل، امکان انهدام و اسارت بسیاری از افراد دشمن در این دو محور وجود داشت؛ و همین ضرورت، در آرایش نیروها موثر بود

«جزئیات طرح برای اجرای حمله به منطقه سرپل دشمن در شرق کارون چنین بود که تیپ ۲ پیاده که شامل سه گردان پیاده ارتش و چهار گردان پاسدار و یک گردان تانک که یک گروهان اضافی نیز داشت و در خطر تماس با دشمن در شمال بهمنشیر دفاع می‌نمود، از منطقه فیاضیه در شرق کارون و شمال بهمنشیر به مواضع نیروهای متجاوز عراق حمله می‌کرد و حاشیه شرقی پل حفار را که به وسیله نیروهای عراقی بر روی کارون برقرار شده بود، تصرف و پل را کنترل می‌نمودند و نیروهای دشمن را در منطقه عملیاتی مربوطه منهدم می‌کردند و کرانه شرقی رودخانه کارون را تأمین می‌نمودند. تیپ ۱ پیاده با دو گردان پیاده ارتشی و یک گردان سوار زرهی و شش گردان پاسدار، ابتدا از مواضع پدافندی یگان‌های تیپ ۲ پیاده در شمال بهمنشیر و در منطقه ذوالفقاری از خط عبور می‌کردند و نیروهای دشمن را در جنوب جاده آبادان- ماهشهر منهدم می‌کردند و سپس حمله را با یک چرخش ملایم از شرق به غرب، به سمت شمال غربی ادامه می‌دادند و نیروهای دشمن را در شمال جاده ماهشهر- آبادان در منطقه مسئولیت خود منهدم می‌ساختند. ضمناً این تیپ مأموریت داشت، هرگونه عکس‌العمل شدید دشمن را در محور آبادان- ماهشهر خنثی و جناح شرقی منطقه عملیات را تأمین نماید. تیپ ۳ پیاده که از منطقه گیلان‌غرب به خوزستان تغییر مکان یافته بود، به صورت احتیاط لشکر بود و مأموریت داشت از مواضع پدافندی گروه رزمی ۲۹۱ تانک در جنوب سلمانیه از خط عبور کند و از شمال به جنوب پیشروی نماید و پل قصبه را بر روی رودخانه کارون که به وسیله نیروهای عراقی برقرار شده بود، تصرف و منطقه مسئولیت خود را از وجود دشمن پاک نماید. این تیپ شامل دو گردان پیاده ارتش، پنج گردان پاسدار و حدود یک گردان تانک بود. ضمناً، سپاه پاسداران نیز حداکثر امکانات آن روز خود را برای عملیات آماده کرد و ۱۶ گردان پاسدار وارد میدان نبرد کرد.»

در مجموع به نظر می‌رسید، دشمن به دلیل برخورداری از نیروی احتیاط و به ویژه امکان به کارگیری لشکرهای ۵ مکانیزه و ۹ زرهی تحت امر سپاه سوم. در موضع برتری قرار دارد، لیکن نیروهای خودی با توجه به شناخت دقیق از دشمن، ویژگی برتر عملیاتی، ترکیب جدید سپاه و ارتش- که پیش از این هرگز در این سطح وجود نداشت- و بهره‌برداری مناسب از زمین، موقعیت بهتری داشتند. افزون بر این، دشمن به لحاظ درک و باوری که از توان نیروهای خودی داشت، به طور نسبی در غفلت به سر می‌برد و این عوامل در مجموعه می‌توانست دست یابی به پیروزی را آسان کند.

در این میان، افزایش قابل توجه نیروهای سپاه در مقایسه با عملیاته‌های پیشین و نقش طراحان نظامی سپاه در طرح‌ریزی و هدایت عملیات، از جمله ویژگی‌های عملیات ثامن‌الائمه(ع) و عامل برتری نیروهای خودی در برابر دشمن بود.

«نکته‌ای که لازم است روی آن تأکید شود. حضور سپاه پاسداران به صورت فعال و مؤثر و قدرتمند در این عملیات بود... برای عملیات ثامن‌الائمه(ع)، ۱۶ گردان توسط سپاه آماده شده بود، در نتیجه می‌توان گفت توان

رزمی سپاه پاسداران و نیروهای مردمی در عملیات ثامن الائمه(ع) به ده برابر افزایش یافته بود و یا به عبارت دیگر، با بهره‌برداری از نیروی عظیم بسیج مردمی توان رزمی نسبی در جبهه بالا رفته بود و این امر کلید موفقیت نیروهای مسلح ایران در عملیات ثامن الائمه(ع) و عملیات‌های بعد از آن مانند طریق القدس و فتح‌المبین و بیت‌المقدس گردید.»

بدین ترتیب، عملیات ثامن الائمه(ع) با هدف شکستن محاصره آبادان و انهدام نیروهای دشمن در شرق رودخانه کارون، پس از آماده‌سازی مقدمات آن، آغاز شد.

– اولین عملیات از سلسله عملیات‌های بزرگ آزادسازی مناطق اشغالی، عملیات ثامن الائمه(ع) بود که با اجرای آن فرمان امام‌خمینی (ره) مبنی بر ضرورت شکستن حصر آبادان تحقق یافت و منطقه اشغالی شرق کارون به طور کامل پاکسازی شد.

عملیات ثامن الائمه(ع) نقطه عطفی در تاریخ جنگ بود. این عملیات از سویی نتیجه سال اول جنگ و اوج نبردهای نیمه گسترده محسوب می‌شد و از سوی دیگر، عامل تحول استراتژیک در جنگ بود و اولین گام از نبردهای گسترده آزادسازی به حساب می‌آمد. این عملیات را سپاه طرح ریزی کرد و با فرماندهی مشترک ارتش و سپاه، از چهار محور به اجرا در آمد که دارخوین و فیاضه محورهای اصلی عملیات بودند. با اجرای کامل عملیات در این دو محور، پل‌های حفار غربی و شرقی می‌بایست بسته می‌شد و دشمن به محاصره در می‌آمد. در آغاز عملیات نیروهای خودی در محور دارخوین پس از دور زدن دشمن از ناحیه نهر شادگان، با موفقیت به پیش رفتند، ولی در محور فیاضیه – که گلوگاه نیروهای دشمن بود و برای آن‌ها اهمیتی حیاتی داشت – با مقاومتی سرسختانه رو به رو شدند. چند ساعت بعد نیروهای محور ایستگاه هفت و دوازده که مأموریت خود را به خوبی اجرا کرده بودند، به کمک محور فیاضیه رفتند و مقاومت دشمن را شکستند. بدین ترتیب در کم‌تر از بیست و چهار ساعت بین دو محور اصلی عملیات الحاق حاصل شد و نیروهای خودی به عقبه دشمن رسیدند و آن دسته از قوای عراقی را که موفق به عقب نشینی نشده بودند، اسیر کردند. در این عملیات، کلیه اهداف پیش‌بینی شده تأمین شد و لشکر ۳ زرهی عراق آسیب فراوانی دید.

– محورهای تهاجم خودی:

محور دارخوین- محمدیه: پنج گردان پیاده از سپاه پاسداران و سه گردان پیاده و یک گردان تانک از ارتش. محور ذوالفقاریه: پنج گردان پیاده و گروه خمپاره‌انداز از سپاه پاسداران و دو گردان پیاده و گردان سوار زرهی از ارتش.

محور جاده ماهشهر- آبادان: یک گردان پیاده و یک گروه خمپاره‌انداز از سپاه پاسداران و یک گردان از ژاندارمری.

برای پشتیبانی عملیات، سه گردان توپخانه و ۵۰ قبضه سلاح پدافند هوایی در نظر گرفته شده بود.

۶ - شناسایی: *****

۷ - سازمان رزم:

- سازمان رزم خودی:

ترکیب نیروهای عمل کننده در این عملیات، شامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای ژاندارمری چنین بود:

- لشکر ۷۷ شامل سه تیپ و در مجموع ۹ گردان نیروی پیاده.
- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با ۱۶ گردان نیروی پیاده که در سازمان سه قرارگاه تیپی عمل می کرد.
- تیپ ۳۷ زرهی شیراز.
- گردان ۲۵۱ تانک از لشکر ۱۶ زرهی.
- گردان ۱۰۷ ژاندارمری.
- گروه رزمی ۲۹۱ تانک.
- جهاد سازندگی، علاوه بر احداث جاده وحدت در فروردین ۱۳۶۰، امور مقدماتی مهندسی عملیات را انجام داد.

پس از حذف بنی صدر برای نخستین بار بود که نیروهای عمل کننده در این حد گسترده با هم ترکیب شده به نحو شایسته ای با یکدیگر همکاری و هماهنگی می کردند. طوری که این اقدام، الگوی مناسبی برای ادامه همکاری ارتش و سپاه در عملیاتهای دیگر شد.

- سازمان رزم دشمن:

دشمن برای استقرار در منطقه سرپل، واقع در شرق رودخانه کارون، دچار تناقض بود؛ از یک سو به دلیل اهمیت منطقه و ضرورت حفظ آن می بایست از نیروی بسیاری استفاده می کرد و از سوی دیگر، با توجه به محدودیت عقبه خود، تجمع این میزان نیرو برایش ناممکن بود. در عین حال، شناخت عراقی ها از توان نیروهای خودی در عقب راندن دشمن - به ویژه پس از ناکامی ارتش در عملیات های ۳ آبان ۱۳۵۹ و ۲۰ دی ۱۳۵۹ - آنها را مطمئن کرده بود که مورد تعرض جدی قرار نخواهند گرفت. استعداد و آرایش یگان های دشمن در این منطقه برابر اسناد به دست آمده از تیپ ۸ مکانیزه ارتش عراق در ۲۶ مرداد ۱۳۶۰ عبارت بودند از:

- ۱- تیپ ۸ مکانیزه از لشکر ۳ زرهی که با سه گردان مکانیزه و یک گردان تانک در شمال سرپل و جنوب سلمانیه مواضع پدافندی را اشغال و تحکیم کرده بود.
- ۲- تیپ ۶ زرهی از لشکر ۳ زرهی که با سه گردان تانک و یک گردان مکانیزه در قسمت مرکزی و شرقی سرپل، در شمال جاده ماهشهر - آبادان مستقر بود.
- ۳- تیپ ۴۴ پیاده از لشکر ۱۱ پیاده، که با یک گردان، تحت امر لشکر ۳ زرهی در قسمت جنوبی منطقه سرپل و جنوب جاده ماهشهر - آبادان پدافند می کرد.

۴- تیپ ۱۲ زرهی از لشکر ۳ در غرب کارون در احتیاط قرار داشت و گردان‌های تانک الطارق و سیف سعد و چند گردان جیش‌الشعبی، گردان پیاده از تیپ ۴۴ و گردان ۱ از تیپ ۳۳ نیروی مخصوص نیز در منطقه شرق کارون استقرار داشتند.

۵- استعداد دشمن در این منطقه برابر یک لشکر تقویت شده بود، ضمن اینکه فرمانده سپاه سوم عراق می‌توانست از احتیاط لشکرهای ۵ مکانیزه و ۹ زرهی که در جنوب غربی اهواز و سوسنگرد مستقر بودند، برای تقویت لشکر ۳ زرهی استفاده کند.

برابر شواهد و اسناد موجود، در پی گسترش حملات رزمندگان اسلام به سرپل اشغالی در نیمه اول سال ۱۳۶۰، دشمن دچار اضطراب شده و احتمال حمله نیروهای خودی را پیش‌بینی می‌کرد. با این حال، عراقی‌ها همچنان به استقرار در مناطق اشغالی اصرار داشتند و این امر بدین دلیل بود که آنها تصور می‌کردند که نیروهای اسلام از اجرای عملیاتی دقیق و برنامه‌ریزی شده در سطحی گسترده ناتوان هستند. در واقع، فرماندهی عراق احتمال تدارک حمله از محور شرق رودخانه را پیش‌بینی می‌کرد اما به هیچ وجه تصور نمی‌کرد این حمله، گسترده و همه‌جانبه باشد.

همچنین، دشمن پیش‌بینی می‌کرد که در صورت حمله قوای خودی، محور اصلی هجوم منطقه استقرار تیپ ۸ مکانیزه در سلمانیه با پیشروی به سمت پل‌های قصبه و حفار خواهد بود. لذا برای تقویت این محور، اقداماتی به عمل آورد.

۸ - آمادگی رزم خودی: *****

۹ - آمادگی رزم دشمن:

عراقی‌ها که پس از ناتوانی در تأمین تمام هدف‌های سیاسی- نظامی خود، درگرداب یک تناقض آشکار (ادامه جنگ و تداوم پیشروی یا عقب‌نشینی تا مرزهای بین‌المللی) قرار گرفته بودند، با غلبه بر قوای ارتش در چند عملیاتی که به اجرا درآمد، به نوعی از بن‌بست خارج شده، ضمن تجدید روحیه برای سازمان و نیروهای رزمی، استراتژی «جنگ ساکن» را (که گزینه‌ای جدید در شیوه جنگی فرماندهان عراقی بود) اتخاذ کردند. عناصر اصلی این استراتژی عبارت بود از: فرسایش تدریجی نیروهای نظامی ایران در درازمدت. حمله به مراکز استراتژیک با استفاده از آتش توپخانه و بمباران هوایی، تحکیم و تثبیت جبهه‌ها و ایجاد مواضع دفاعی جدید، محاصره شهرهای مرزی و بمباران مداوم آنها، استفاده بیشتر از یگان‌های زرهی، فراخوان نیرو و تقویت سازمان رزم، گسترش دامنه فعالیت‌های دیپلماتیک. در این خصوص فرماندهی سپاه سوم ارتش عراق در توضیح استراتژی جدید معتقد بود که:

«هدف‌های ساکن مناسب‌ترین اهداف برای تهاجم هستند و یک هدف ایده‌آل برای ضربه‌زدن به ما، برای دشمن هدف‌های ساکن ما است.»

رژیم عراق علاوه بر اتخاذ استراتژی جدید، برای پشتیبانی و سازماندهی گروه‌های معارض انقلاب اسلامی، تلاش گسترده‌ای کرد تا از طریق تشدید بی‌ثباتی در داخل ایران، به مقاصد نظامی-سیاسی خود دست یابد.

۱۰- تشریح عملیات

در ساعت ۰۰:۳۰ بامداد ۱۳۶۰/۷/۵ عملیات شکستن محاصره آبادان با رمز "نصر من ا..." و فتح قریب" آغاز شد و نیروهای عمل‌کننده از تمام محورهای مشخص شده به دشمن هجوم بردند.

- محور جبهه دارخوین

در این جبهه تیپ ۸ مکانیزه ارتش عراق استقرار داشت؛ آرایش آن به سمت شمال بود و سه خط پدافندی داشت که جلوی خط اول مین ضد تانک و ضد نفر چیده بود. پشت هر یک از خطوط اول تا سوم یک گردان مکانیزه مستقر بود. خط پدافندی خودی با خط اول عراق حدود ۷ کیلومتر فاصله داشت. پس از اینکه گروه مهندسی ۷ معبر در میدان مین باز کرد، نیروهای تکاور همزمان به هر سه خط پدافندی دشمن حمله کردند؛ در حالی که در امتداد نهر شادگان نیز نیروهای دشمن از سمت راست خود هدف حمله قرار گرفته بودند.

مقاومت نیروهای عراقی در حد فاصل کارون و جاده آبادان- اهواز موجب پایداری خط اول دشمن شده بود. اما پیشروی رزمندگان در محور نهر شادگان- که گردان صلاح‌الدین را شکست داده و تا ساعت ۳:۳۰ بامداد پس از پنج کیلومتر پیاده روی به جاده رسیده بودند- عقبه نیروهای در حال مقاومت دشمن در جنوب محمدیه را به خطر انداخت. یعنی در حالی که نیروهای دشمن در خط اول محور محمدیه مقاومت می‌کردند. خط سوم آنها از پهلو هدف حمله قرار گرفت و عراقی‌ها به محاصره درآمدند. نیروهای محور شادگان سپس با پیشروی به سمت کارون، تا ساعت ۵ صبح و روشن شدن آسمان، عقبه دشمن را کاملاً بستند طوری که تا ساعت ۶ صبح آخرین خط (خاکریز اول و دوم دشمن در جنوب محمدیه) پاکسازی گردید. در ادامه عملیات، رزمندگان پس از ۲ تا ۲/۵ کیلومتر پیشروی به پل قصبه دست یافتند و در ساعت ۹ صبح در ۸۰۰ متری جنوب پل پدافند کردند و با احتیاط به پل حفار نزدیک شدند، در حالی که پل مزبور همچنان در اختیار دشمن بود و نبرد در جبهه فیاضیه گره خورده بود. ارتش عراق که با سقوط پل قصبه، تنها امیدش به حفظ پل حفار بود. تلاش بسیاری برای تأمین این پل می‌کرد تا نیروهایش بتوانند عقب نشینی کنند. متقابلاً رزمندگان محور دارخوین با مشاهده عقب نشینی دشمن از طریق پل حفار، به سمت جنوب ادامه مسیر داده و تا بعداز ظهر به نزدیکی پل رسیدند و در انتظار الحاق با نیروهای محور فیاضیه، به حفظ موقعیت پرداختند. در این حال تانک‌های گردان المقداد، یعنی آخرین واحد زرهی باقی مانده دشمن در منطقه، با هجوم به رزمندگان اسلام می‌کوشیدند آنها را از کنار پل عقب بزنند تا بتوانند از طریق پل به غرب کارون عقب نشینی کنند.

- محور جبهه ماهشهر

ارتش عراق در این عملیات بیشترین اهمیت را برای جبهه دارخوین و جبهه ماهشهر قائل بود، زیرا که در نبردهای گذشته رزمندگان در جبهه دارخوین موفق بودند و در جبهه ماهشهر دو عملیات بزرگ اجرا کردند که گرچه ناموفق بود ولی اهمیت این جبهه را از دید فرماندهان ایران نشان می‌داد. از سوی دیگر، ارتش عراق به دلیل آسیب پذیری در جبهه جاده ماهشهر، توان خود را به یک گردان مکانیزه و یک گروهان کماندو محدود کرده بود که در زائده جنوب جاده ماهشهر- آبادان پدافند می‌کردند. البته یگان‌های احتیاط نزدیک عراق در فاصله نه چندان دور، آماده مقابله با هر حمله بودند. در چنین وضعیتی رزمندگان از چهار محور به خط پدافندی دشمن- که ۱/۵ کیلومتر طول داشت- هجوم بردند و ضمن تصرف خط اول، از کنار جاده پیشروی کرده و نیروهای عراقی را به محاصره درآوردند که تعدادی از آنها فرار کردند. رزمندگان، فراریان را تا ۵۰۰ متری شمال جاده تعقیب کردند که بنا به دستور به عقب برگشته و در کنار جاده ماهشهر- آبادان پدافند کردند. صبح روز دوم رزمندگان با اقدام به پاکسازی منطقه، تانک‌ها و نفربرهای به جا مانده از دشمن را جمع‌آوری نمودند.

- محور جبهه ذوالفقاری

نیروهای عمل‌کننده در محور ذوالفقاری ساعت ۱ بامداد نزدیک خاکریز اول دشمن رسیده و آن را تصرف کردند، اما تا ساعت ۵ نتوانستند خاکریز دوم را ساقط کنند. دشمن ابتدا با ۴ تانک شدیداً مقاومت می‌کرد و سپس با ۱۵ تانک پاتک کرد که این پاتک خنثی شد. رزمندگان در حال پیشروی بودند که از سمت چپ مورد حمله قرار گرفتند. از این زمان به بعد نیروهای این محور با محور فیاضیه هماهنگ شده و به آنها دستور داده شد که با هم پیشروی کنند. ساعت ۱۰ خاکریز دوم سقوط کرد و حدود ۱۵۰ تن از نیروهای دشمن خود را تسلیم کردند. حدود ساعت ۱۲ رزمندگان به خاکریز سوم رسیدند و ضمن پیشروی به سمت شمال، حدود ۲۰۰۰ تن از نیروهای سپاه و بسیج تا نزدیک پل حفر رسیده و به نیروهای محور فیاضیه برای تصرف این پل یاری رساندند.

- محور جبهه فیاضیه

در جبهه فیاضیه تیپ ۶ تقویت شده از لشکر ۳ زرهی ارتش عراق مستقر بود. عراق در این جبهه و در حد فاصل کارون تا جاده اهواز، سه خط پدافندی داشت که جلوی خط اول را با مین و سیم خاردار مانع‌گذاری کرده بود و در پشت خاکریزها نیز با حفر کانال‌های سرپوشیده، خطوط پدافندی‌اش را استحکام بخشیده بود. در مقابل، رزمندگان جبهه فیاضیه نیز موانع را شناسایی کرده و کانال‌هایی را حفر کرده بودند که پیشروی نیروها را با استتار تا زیر پای دشمن میسر می‌کرد.

در این جبهه رزمندگان از سه محور وارد عمل شدند. نیروهای محور چپ (حاشیه کارون) پس از تصرف خاکریز اول با مقاومت شدید دشمن مواجه شدند. این در حالی بود که نیروهای محور راست نیز خاکریز اول را تصرف کرده بودند، لیکن نیروهای محور وسط به میدان مین برخورد و نتوانسته بودند عملیات خود را آغاز نمایند. این نیروها نیز پس از باز کردن معبر در میدان مین، در ساعت ۳:۳۰ بامداد توانستند به خاکریز اول دشمن برسند.

در این میان تانک‌های خودی قادر نبودند به درستی از محورها عبور کرده و نیروهای پیاده را پشتیبانی کنند. لذا تا ساعت ۱۱ صبح غیر از یک گروهان تانک از تیپ ۳۷ زرهی شیراز که حاشیه جاده را تأمین می‌کرد، دیگر واحدهای زرهی به خط اول دشمن نرسیده بودند. در این محور عراقی‌ها مقاومت می‌کردند و تلفات بسیاری به رزمندگان خودی وارد شد زیرا در فیاضیه به صورت جبهه‌ای و رو در رو به عراقی‌ها حمله شده بود و چنین وضعیتی به نیروهای در خط عراق اجازه می‌داد که با بیشترین تسلط، واکنش نشان دهند. از سوی دیگر، سقوط محور فیاضیه به معنای از دست رفتن پل حفار و محاصره شدن نیروهای عراقی بود. لذا مقرر شد رزمندگان از سمت چپ حرکت کرده و نیروهای مقاوم دشمن را دور بزنند. بدین ترتیب نیروهای پیاده و زرهی در امتداد جاده حرکت کرده و خط دفاعی دشمن را شکستند و عراقی‌ها نیز سریعاً عقب نشینی کردند.

صبح روز دوم برای نابودی باقی‌مانده نیروهای دشمن که جلوی پل حفار موضع گرفته بودند، حمله‌ای تدارک دیده شد. در ساعت ۱۵ درگیری شدید در این منطقه آغاز شد که تا ساعت ۱۷ ادامه داشت. در این ساعت دشمن مغلوب شد و با به جا گذاشتن بسیاری از تجهیزات خود، از طریق پل حفار به غرب کارون عقب نشست. رزمندگان خودی پس از دستیابی به پل آن را منهدم کردند و در ساحل کارون خط پدافندی تشکیل دادند.

۱۱ - نتایج عملیات:

با اجرای عملیات ثامن‌الائمه (ع) منطقه شرق کارون از وجود ارتش عراق پاکسازی شد و آبادان پس از ۳۴۹ روز از محاصره خارج گردید. مهم‌ترین دستاوردهای این عملیات چنین است:

- منطقه شرق کارون به وسعت حدود ۱۳۰ کیلومترمربع به طور کامل از اشغال ارتش عراق آزاد شد.
- ۲- شهر آبادان از محاصره خارج و خطر اشغال آن برطرف شد.
- دو جاده مهم اهواز- آبادان و ماهشهر- آبادان از تصرف دشمن خارج شد.
- تلاش‌های رژیم عراق برای بهره‌برداری سیاسی و نظامی از ادامه محاصره آبادان خنثی شد.
- بسیاری از نیروها و تجهیزات ارتش عراق مستقر در شرق کارون منهدم شدند.
- نیروهای خودی از خطوط پدافندی پراکنده و گسترده در منطقه شرق کارون آزاد شدند و با اتکا به مانع طبیعی مناسب (رود کارون)، با حداقل نیرو و امکانات خط پدافندی تشکیل دادند.
- علاوه بر موارد فوق. این عملیات آثار و نتایج مهمی در ارتقاء روحیه رزمندگان و همچنین افزایش تجربه فرماندهان در سازماندهی، طراحی، هدایت و اجرای سلسله عملیات‌های آزادسازی داشت.
- در این عملیات از ارتش عراق حدود ۱۵۰۰ تن کشته و حدود ۱۸۰۰ تن اسیر شدند و همچنین حدود ۹۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۰۰ خودرو، ۳ هواپیما و یک هلی‌کوپتر و تجهیزات بسیار دیگری منهدم شد و حدود ۷۴ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰ خودرو و تسلیحات و تجهیزات بسیاری به غنیمت رزمندگان اسلام درآمد.

این نتایج حاصل ایستادگی، جانبازی و شهادت رزمندگان از جان گذشته‌ای بود که در مدت نزدیک به یک سال از پیشروی دشمن در محورهای مختلف این منطقه و ورود ارتش عراق به جزیره آبادان جلوگیری کردند و در نهایت این موفقیت را به ظهور رساندند.

۱۲ - بازتاب داخلی و خارجی عملیات :

- بازتاب داخلی:

چند روز پس از پایان عملیات ، هواپیمای حامل فرماندهان ایرانی که از خوزستان به سوی تهران پرواز می کرد ، به طور مشکوکی در حوالی تهران سقوط کرد و جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش (ولی ا... فلاحی) ، قائم مقام فرمانده سپاه (یوسف کلاهدوز)، فرمانده نیروی هوایی ارتش (جواد فکوری) ، فرمانده دانشکده افسری نیروی زمینی ارتش (سید موسی نامجو) و فرمانده سپاه خرمشهر (محمد علی جهان آرا) به شهادت رسیدند .

پیروزی در عملیات ثامن‌الائمه(ع) که برجسته‌ترین تحول نظامی در آغاز سال دوم جنگ بود، زمینه تبیین استراتژی جنگ را با هدف آزادسازی مناطق اشغالی، فراهم کرد. در این حال، تحولات سیاسی که بر روند تحولات نظامی اثر داشت، خود نیز از این تحولات متأثر بود.

امام‌خمينی (ره) با شناخت خود از روند تحولات، چند حرکت را به موازات هم اداره و هدایت کردند. امام، انتخاب ریاست جمهوری را به عنوان "یک امر حیاتی برای جمهوری اسلامی" ارزیابی کرده و حضور مردم را در صحنه ضروری و تعیین‌کننده خواندند. ایشان در دیدار با فرماندهان نظامی - پس از سقوط هواپیمای فرماندهان نظامی - فرمودند:

«به انتخابات نظر کنید می‌فهمید که ایران پایدار خواهد ماند... وقتی می‌توانند کودتا یا حمله کنند که ملت در صحنه نباشد، ولی وقتی ملت در صحنه بود، چه کاری از آنان ساخته است و در این جنگ فهمیده شد که ملت بی‌طرف نیست. ملت و ارتش ما قوی است و به خوبی مملکت را می‌تواند حفظ کند.»

امام‌خمينی در ۱۷ مهر ۱۳۶۰، ده روز پس از عملیات ثامن‌الائمه(ع) و سقوط هواپیمای فرماندهان نظامی، در حکم تنفیذ ریاست جمهوری آیت‌ا... خامنه‌ای فرمودند:

«شرکت بی‌سابقه مردم کشور امید بدخواهان را مبدل به یأس و طمع آزمندان را برای همیشه برید.»

امام در جای دیگری از این حکم فرمودند:

«شرکت عمومی ملت شجاع و متعهد در انتخابات و پیروزی‌های پی‌درپی قوای مسلح در جنوب و غرب و حضور مداوم ملت در سرتاسر کشور... کاخ‌های تخیلی آنان را فرو ریخت.»

امام، حضور گسترده و سرنوشت‌ساز مردم را در انتخاب ریاست جمهوری به مثابه گذار از مرحله بی‌ثباتی حاصله از مناقشات سیاسی به مرحله جدید ارزیابی کردند. ایشان در پاسخ به تلگرام فرماندهان در مورد پیروزی در عملیات ثامن‌الائمه(ع)، پیامی صادر فرمودند که در واقع چارچوب و خط مشی قوای نظامی را مشخص کرد؛ امام اظهار امیدواری کردند:

«آخرین پیروزمندی را که بیرون راندن نیروهای متجاوز کافر از سرزمین‌های میهن ما است، ملت شریف به زودی مشاهده کند.»

با تبیین استراتژی جنگ، تأثیرات ناشی از تحولات سیاسی- نظامی به تدریج در حوزه نظامی نمایان شد؛ از یک سو، با افزایش حضور نیروهای مردمی، سپاه تلاش‌های جدیدی را برای گسترش سازمان رزم انجام داد و از سوی دیگر، نیروهای ارتش و سپاه استراتژی آزادسازی مناطق اشغالی را طرح‌ریزی کردند. سردار محسن رضایی در این زمینه می‌گوید:

«دو کار اساسی انجام شد: یکی در عملیات و یکی در سازمان‌دهی. در عملیات، طرح‌ریزی، سلسله‌وار صورت گرفت، یعنی در حقیقت استراتژی نظامی شکل گرفت، دوم در سازمان‌دهی، سپاه رفت به دنبال اینکه یک سازمان رزم برای خودش فراهم کند. این دو از اولین تحولات پس از عملیات ثامن‌الائمه (ع) است.»

- خارجی:

اقدام ایران در انتشار اخبار مربوط به عقب راندن عراقی‌ها از شرق کارون و شکسته‌شدن محاصره آبادان با توجه به روند تحولات سیاسی- نظامی در داخل کشور و تجزیه و تحلیل ناظران و کارشناسان خبری از این واقعه، به عنوان «انتشار گزارش‌های ضد و نقیض ایران» ارزیابی می‌شد. رادیو امریکا یک روز پس از آغاز عملیات، در گزارشی گفت:

«در ایران هم زمان با انتشار گزارش‌های ضد و نقیض درباره پیروزی بزرگ ایران در جنگ یک ساله آن کشور با عراق، زد و خوردهای شدیدی در نقاط مختلف پایتخت صورت گرفت، ولی خبرگزاری رسمی عراق تصرف مجدد آبادان را توسط نیروهای ایرانی تکذیب کرده است.»

رادیو بی.بی.سی نیز در نخستین واکنش درباره اخبار عملیات، دفاع جمهوری اسلامی را از آبادان طی یک سال گذشته نشان تصمیم ایران برای مقاومت در برابر عراق ارزیابی کرد و حمله سحرگاهی ایران را نخستین تلاش عمده دو طرف جنگ برای پایان دادن به بن‌بست موجود خواند. در گزارش خبری این رادیو با اشاره به اقدامات منافقین در داخل کشور، به طور تلویحی بر متناقض بودن اوضاع تأکید شده بود:

«نشانه شدت مناقشات سیاسی در داخل ایران نیز از این جا به دست می‌آید که در زمان وقوع جنگ در آبادان، حامیان و مخالفان دولت هم در تهران به مبادله آتش دست زده‌اند.»

در حالی که رادیو امریکا و رادیو لندن همچنان با تردید به پیروزی نظامی ایران می‌نگریستند، رادیو صوت‌الجماهیر (بغداد) به نقل از یک سخن‌گوی صلاحیت دار، اخبار شکست قوای عراق را در شرق رودخانه کارون تأیید کرد و در توجیه آن گفت:

«نیروهای نظامی ما (عراق) طبق برنامه عمومی آن وقت (شروع جنگ)، در شرق کارون حضور یافتند و علی‌رغم تلاش‌های دشمن، در طول یک سال کامل در شرق کارون باقی ماندند. واحدهای دلیر ما هر بار چه به طور مستقیم و با ضدحمله، حملات دشمن را دفع می‌کردند و دشمن در روزهای اخیر آسیب‌هایی به پل‌های ما بر روی کارون وارد ساخته و همچنین فعالیت‌های نظامی علیه ما نموده است و این امر سبب شد تا فرماندهی کل تصمیم خود را دایر بر انتقال دادن واحدهای مذکور از شرق کارون به غرب کارون اتخاذ کند...»

پس از اعتراف عراقی‌ها به پیروزی ایران، رادیو لندن در بررسی نتیجه این پیروزی گفت:

«پیروزی ایران، برای صدام حسین نه تنها یک عقب‌نشینی نظامی است بلکه یک عقب‌نشینی سیاسی نیز به حساب می‌آید.»

در پی سقوط هواپیمای حامل فرماندهان نظامی که از جبهه عازم تهران بودند، رسانه‌های خبری دنیا به جای بررسی پیروزی نظامی ایران، سقوط هواپیما را محور گزارش‌های خبری قرار دادند. همچنین، با شهادت حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد به دست منافقین در مشهد و پاره‌ای از حوادث دیگر رخدادهای ناشی از درگیری‌های سیاسی داخلی کشور مورد توجه رسانه‌های خارجی قرار گرفت.

نکته مهمی که در تمام گزارش‌ها و تحلیل‌های خبری، مشاهده می‌شد، ارائه وضعیتی دوگانه از ایران بود؛ رسانه‌های خبری جهان به موازات اخبار مناقشات سیاسی، خبر پیروزی نظامی ایران را نیز منتشر می‌کردند. به نظر می‌رسد، برای ناظران خارجی پیروزی ایران در این عملیات پذیرفتنی نبود، به همین دلیل با وجود تأکید بر ارزش پیروزی نظامی ایران و شکست سیاسی- نظامی عراق، همچنان، اوضاع کلی جنگ به عنوان یک بن‌بست ارزیابی می‌شد که تنها، تحولات سیاسی و جابه‌جایی قدرت در یکی یا هر دو کشور می‌توانست آنرا برطرف کند. به بیان دیگر، گرچه شکسته‌شدن حصر آبادان- با وجود نابآوری‌های اولیه- مورد پذیرش محافل سیاسی و نظامی دنیا قرار گرفت، ولی این پیروزی به این معنا نبود که روند جدیدی در جنگ آغاز شده و اوضاع به سود ایران تغییر کرده است.

بعدها، یکی از کارشناسان امریکایی مسائل نظامی در مورد بازتاب عملیات ثامن‌الائمه(ع)، بر این نکته تأکید کرد که پیشنهاد آتش‌بس یک ماهه عراق در ماه نوامبر (آبان)، متأثر از پیروزی ایران در آبادان در ماه اکتبر (مهر) بود. وی درباره اهمیت این پیروزی در کتاب خود نوشت:

«پیروزی ایران در جبهه آبادان این حقیقت را آشکار کرد که برتری در قدرت زرهی و هوایی می‌تواند بی‌معنا باشد. علاوه بر این، پیروزی در آبادان هشدار برای غرب بود. حتی اگر نیروهای غربی که احتمالاً کارآمدتر از نیروهای عراقی در استفاده از قدرت هوایی و سلاح‌های سنگین بوده باشند، در مقابله با نیروهای ایران باز هم با مشکلی که عراق گریبانگیر آن بود، مواجه می‌شدند، خصوصاً این که دولت‌های غربی از لحاظ سیاسی آمادگی پذیرش تلفات سنگین در یک جنگ کم‌شدت را ندارند.»

کردزمن کارشناس آمریکایی امور نظامی، ماهیت شکل‌گیری نوع جدیدی از جنگ را مورد توجه قرار می‌دهد که شکست حصر آبادان نقطه آغاز تحقق آن بود. وی سپس می‌نویسد: «هنوز مشخص نشده است که ایرانیان چگونه به این پیروزی دست یافتند.»

.....
منابع و ماخذ :

نام کتاب : عملیات ثامن الائمه

ناشر : مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

طرح مانور عملیات، تدبیر عملیات و نیز استعداد نیروی عمل کننده در جلد سوم کتاب ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس از انتشارات ارتش جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر آمده است:
جلد سوم کتاب ” ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس“